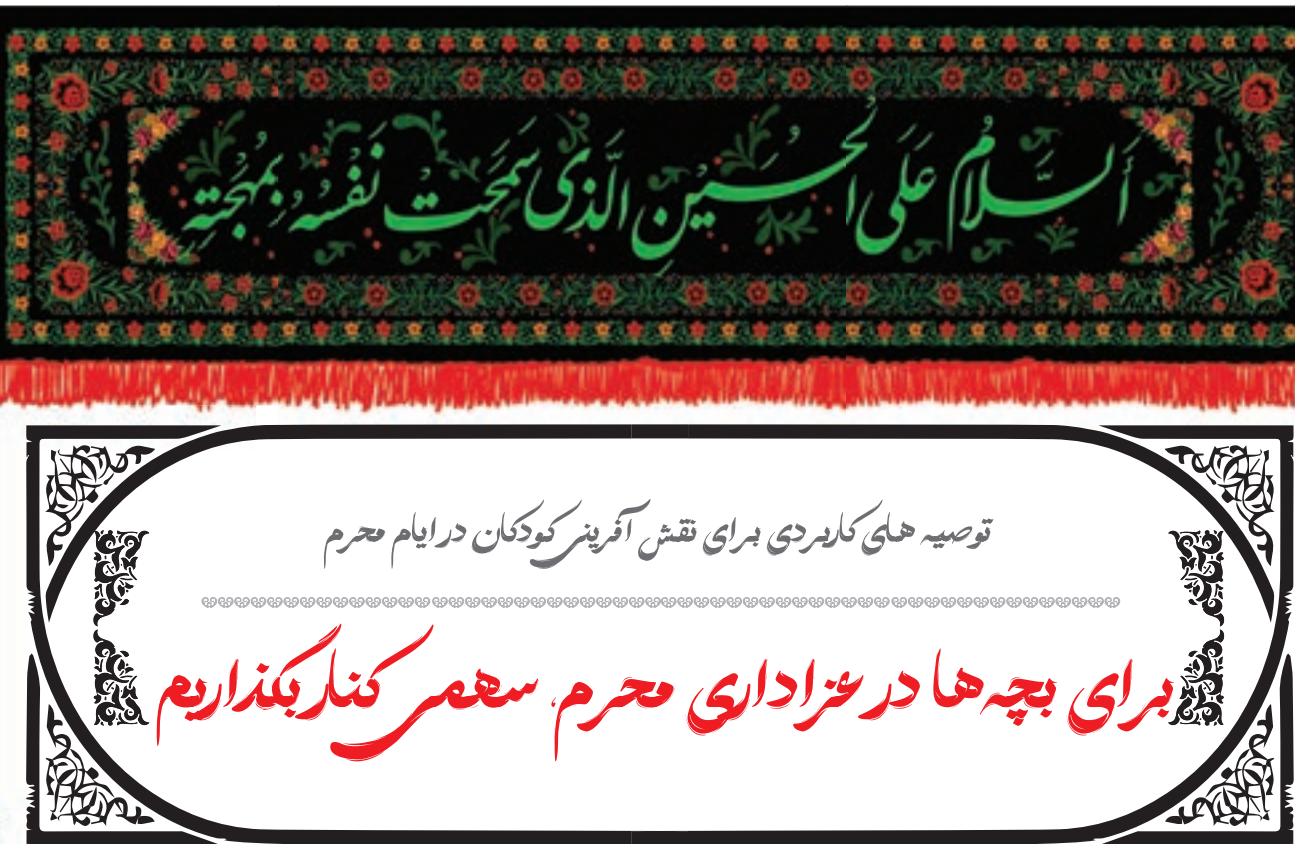




توصیه های کاربردی برای نقش آفرینر کودکان در ایام محرم

برای بچه ها در عزاداری محرم. سه مهر کنار بگذاریم

آمنه مستقیمای یکی از ماه های پربرکت برای انسان سازی و عبرت آموزی، ماه محرم است. در تک تک رویدادهای این ماه برای ما پیام و دریافت های حاوی آگاهی و بینش، نهفته است. از آغاز سفر امام حسین^(ع) به سوی مدینه تا آخرین روزهای بازگشت کاروان اسرا. به همین دلیل می توان برای کوچک ترهای اهل خانه نیز برنامه های به منظور آشنایی با این واقعه تاریخ ساز و آمیختگی روح و جان آن ها با محبت اهل بیت^(ع) تدارک دید. به مناسبت ایام محرم حسینی و به منظور بررسی فرصت های تربیتی ماه پیروزی خون بر شمشیر برای کودکان و نوجوانان، با حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا پیوندی، استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی و کارشناس حوزه حقوق کودک، گفت وگو کرده ایم که در ادامه آن را می خوانید.

● محرم، صرفا موسم عزاداری نیست

حجت الاسلام والمسلمین پیوندی در آغاز بحث اظهار می کند: ممکن است این تصور وجود داشته باشد که ماه محرم صرفا موسم عزاداری برای مصائب سیدالشهدا^(ع) است، اما باید بدانیم محرم فرصت و گنجینه ای است که می تواند در حوزه فرهنگی و تربیتی نیز آثار فراوان داشته باشد. اینکه فکر کنیم صرفا مراسمی برگزار و ثوابی دریافت می شود، نگاه حداقلی به فرصتی عظیم همچون محرم است؛ چون در مکتب حسینی انواع مسائل اخلاقی، عرفانی، معنوی و خانوادگی و همه آنچه در زندگی به کار ما می آید، وجود دارد؛ چنان که فرصتی ارزشمند و ویژه برای تربیت کودکان و نوجوانان است. از این رو برای تربیت کودک و نوجوان در چنین موسمی، باید از قبل برنامه ریزی کرد؛ به ویژه آنکه می دانیم کودکان و نوجوانان و جوانان در این عزاداری ها و مجالس حسینی، حضوری فعال دارند.

● نقش آفرینی کودکان و نوجوانان در عاشورا

این کارشناس دینی در حوزه حقوق کودک تصریح می کند: در واقعه عاشورا کودکان و نوجوانی بودند که حتی با بذل جان و شهادت در رکاب امام حسین^(ع) نقش آفرینی کردند؛ همچون حضرت علی اصغر^(ع) که طفلی شیرخوار بودند. امام باقر^(ع) که کودکی سه چهارساله بودند، حضرت عبدا... بن حسن^(ع) که کودک بودند و حضرت قاسم بن حسن^(ع) که نوجوان بودند. نوع برخورد اهل بیت^(ع) با آن ها برای ما راهگشاست و با به روزرسانی این سیره و سبک تربیتی، می توان اتفاقات مبارکی را رقم زد؛ چون این شور و احساسات در زمانی کوتاه از بین می رود، لذا خوب است از آن برای تربیت نسل آینده بهره بگیریم.

● ارکانی که ساختار عزاداری ها را شکل می دهند

وی با بیان اینکه محرم و عزاداری های حسینی چهار رکن مهم دارد که ساختار سوگواری ها را شکل می دهند، می گوید: رکن نخست،

● منبری و مداح، حواشنان به بچه ها باشد

حجت الاسلام پیوندی می افزاید: یکی از آسیب های برخی هیئت ها و مجالس، اکتفای صرف به نوحه خوانی و سینه زنی است و آگاهی بخشی و تبیین فلسفه قیام حسینی در آن ها دنبال نمی شود، درحالی که پیام عاشورا، جهانی است و بر عزت و جوانمردی فراتر از دین و مذهب تأکید می کند؛ چنان که امام حسین^(ع) فرمودند: «اگر دین ندارید،

● رفتار با کودک در سیره حسینی

حجت الاسلام پیوندی، با تأکید بر لزوم مقابله با خرافات و آسیب ها در عزاداری ها، ادامه می دهد: سبک زندگی حسینی در برخورد با کودکان و نوجوانان، بسیار آموزنده است. نقل است وقتی امام حسین^(ع) تنها مانده بودند و عزم میدان کردند، حضرت سکینه^(ع) پیش آمدند و مانع ایشان شدند، در مقاتل آمده است با وجود آن وضعیت سخت،

آزاده باشید، و این پیامی فرامذهبی و فرادینی است، لذا بسیاری از شخصیت های بزرگ دیگر ادیان و مکاتب، از سیدالشهدا^(ع) و عاشورا الهام گرفته اند؛ چنان که جواهر نعل نهره هنگام پیروزی بر استعمار گفت: «الگوی من در این پیروزی، حسین عزیز است». در هیئت های عزاداری کودکان و نوجوانان که در سطح کشور پراکنده و متعدد هستند، محتوا می تواند در بعد تربیتی اثرگذار باشد، البته به شرط برنامه ریزی و بهره گیری از ظرفیت مداحی و منبر. وی تأکید می کند: باید به شور و احساس کودک و نوجوانی که لباس مشکی می پوشد و سینه و زنجیر می زند، جهت بدهیم؛ به ویژه اینکه در این گروه های سنی، هیجان غلبه دارد و در جریان و حرکت است. باید به این حس و هیجان بار و جهت داد که این کار نیازمند برنامه ریزی و حوصله و صبر فراوان است؛ وگرنه این شور و احساسات، ممکن است هدر برود.

● مراقب الگوها باشیم

وی رفتار را رکن بعدی واقعه عاشورا می داند و می گوید: اینجا الگوسازی اهمیت بسیار دارد. عقربه دل آدمی مدام آگاهانه یا ناآگاهانه به سمت الگوها چرخش دارد. اگر الگو مثبت باشد، اثر سازنده می گذارد و اگر منفی باشد، عواقب سوئی را رقم می زند. محرم فرصتی برای الگوسازی است. با رجوع به تعابیر پیامبر اکرم^(ص)، به گرمی داشتن فرزندان و تربیت نیکوی آن ها می رسمیم، البته مهم تر از تعلیم ربانی، تربیت عملی است؛ چنان که امام صادق^(ع) فرمودند: «مردم را با رفتار خود به حق دعوت کنید، نه باز باینتان». اینجا نقش پدر و مادر در الگو بخشی بسیار مهم است. در حکمت ۷۰ نهج البلاغه امیرالمؤمنین^(ع) می فرماید: «هر که خود را پیشوا و الگوی مردم می کند، قبل از دیگران باید خود را ادب کند» و در خطبه ۱۷۵ نهج البلاغه فرموده اند: «ای مردم! به خدا من شما را به طاعتی بر نمی انگیزم، جز آنکه خود پیش از شما به آن برمی خیزم و از معصیتی باز نمی دارم، مگر آنکه پیش از شما آن را فرومی گذارم». کودک و نوجوان با حرف و سخن تربیت نمی شود. از معصوم^(ع) است که کودک آن شخصیتی می شود که شما هستید، نه آن که آرزو می کنید.

حضرت از اسب پیاده شدند و آن دختر را بر دامن نشاندند و او را نوازش و به وی محبت کردند. این رفتارها، اوج محبت در خانواده را ترسیم می کند. بسیاری از مادر شرایط عادی هم در برخورد با کودک چنین نمی کنیم، اما حضرت سیدالشهدا^(ع) در سخت ترین شرایط، با حوصله برای کودکان و نوجوانان درباره قیام و چربی شرایط توضیح می دادند و به بچه ها توجه می کردند، لذا روضه ها و شور ما هم باید جنبه آموزش و اخلاق داشته باشد. حماسه عاشورا براساس اراده الهی رخ داد و اوج اخلاق و ایثار را به نمایش گذاشت. باید وسعت اندیشه، شهامت حق گوئی، عزت نفس و قدرت استدلالی که در این واقعه تبلور داشت، برای بچه ها بیان شود.

● به بچه ها در عزاداری مسئولیت بدهیم

این استاد حوزه تأکید می کند: در ماه محرم می توانیم با مشارکت دادن کودکان و نوجوانان در اقامه عزای حسینی و دادن مسئولیت هرچند کوچک و جزئی به آن ها، فرصت تربیت و رشدشان را فراهم کنیم. نوع برخورد با کودکان و نوجوانان در مجالس و عزاداری ها بسیار مهم است، حتی اگر به اندازه دادن پرچم یا چرخاندن ظرف قند در میان عزاداران به دست کودکی باشد، اثر خود را می گذارد. سیره حسینی در نوع برخورد با بچه ها، از مدینه تا کربلا و نیز برخورد اهل بیت^(ع) در مسیر کربلا تا شام، در این باره الگو بخش و راهنماست. کارشناس حوزه حقوق کودک ادامه می دهد: ذهن بچه ها مملو از پرسش است که همواره باید آماده بود و به سؤالات آن ها پاسخ داد، سؤالاتی مانند اینکه چرا در کربلا آب نبود یا چرا حضرت عباس^(ع) از آب فرات ننشید؟ عاشورا همه اجزای یک حماسه و مکتب بزرگ را در خود دارد، از طفل شیرخوار تا پیرمردان و دختران و پسران در آن نقش آفریده اند و بعد خانوادگی آن، جلوه های تربیتی بسیار دارد. حجت الاسلام پیوندی در پایان یادآوری می کند: مکتب اهل بیت^(ع) سرشار از آموزه های تربیتی است. امام حسین^(ع) دایه ای به نام ام فضل داشتند که حضرت را شیر می داد. وی قبل از ولادت امام حسین^(ع) خواب دید که عضوی از خانواده پیامبر^(ص) در خانه اوست و وقتی خواب را بازگو کرد، پیامبر^(ص) وی را به ولادت امام حسین^(ع) بشارت دادند. از ام فضل نقل است که روزی حسین بن علی^(ع) را نزد پیامبر^(ص) بردم و حضرت رسول^(ص) ایشان را در آغوش گرفتند و نوازش کردند. در همان حال، نوزاد لباس پیامبر^(ص) را تنیس کرد. من با تندی کودک را گرفتم. رسول خدا^(ص) فرمودند: «این نجاست با قدری آب، پاک می شود اما این تندی رفتار تو از دل کودک نمی رود». عمل به سیره معصومان^(ص) در رفتار با کودکان آثار تربیتی فراوان دارد.

تأثیر محقر

لیک یا حسین^(ع)

سرزمینی کنار فرات بود اما از آن فاصله داشت و بیابانی که هیچ انسانی در آنجا زندگی نمی کرد. علی^(ع) هنگام بازگشت از جنگ صفین، گذرش به کربلا افتاد و گفت: «اینجا قبر نگاه عاشقان و مشهد شهیدان است، شهیدانی که نه شهدای گذشته به آن ها می رسند نه شهدای آینده».

انگار قرار بود اتفاقی بیفتد که این بیابان دیگر بیابان نباشد.

افتاد...

● سال ۶۱ هجری

حسین در راه کوفه بود.

یزید، ابن زیاد را فرستاد تا غائله کوفه و حسین^(ع) را بخواياند. ابن زیاد هم نامه ای به حربن بزید ریاحی نوشت: «همان هنگام که نامه من به تو رسید و رسول من نزد تو اید، حسین را نگه دار و تنگ گیر بر او و او را فرود میاور. مگر در بیابان بی سنگر و پناه و آب، و فرستاده خود را فرمودم از تو جدا نشود تا خبر انجام دادن فرمان مرا بیاورد. حر، فرمانده سپاه ابن زیاد، ناچار به اجرای دستور او بود، پس اجازه نداد امام به راه خود ادامه دهد و حسین^(ع) مجبور شد همان جا خیمه بزند.

یارانش اندک بودند، ولی خیمه زد.

خانواده اش همراهش بودند، ولی خیمه زد.

خبر شهادت مسلم و لاف نامه های کوفیان را شنیده بود، ولی خیمه زد. حسین^(ع) برای جنگ نیامده بود اما از جنگ و کشته شدن در راه خدا هراسی نداشت. حسین^(ع) خیمه زد و کربلا دیگر بیابانی مانند دیگر بیابان ها نبود. شد همان که رسول خدا^(ص) گفت: «پسرم حسین^(ع) در سرزمینی به خاک سپرده می شود که به آن کربلا گویند، زمین ممتازی که همواره گنبد اسلام بوده است، چنان که خدا، یاران مؤمن حضرت نوح را در همان جا از طوفان نجات داد.»

سال ۶۱ هجری بود و حادثه ای که در این سال و این مکان قرار بود رخ بدهد، حتی به پیامبران قبل از محمد^(ص) هم خبر داده شده بود. وقتی حضرت آدم^(ع) از کربلا عبور کرد و دلش را غم گرفت و غمش را با لعن قاتل ابا عید...^(ع) برطرف کرد. وقتی کشتی نوح^(ع) بر امواج پرتلاطم بعد از سرگردانی، در جایی ایستاد و دیگر حرکت نکرد جز با لعن قاتلان حسین^(ع). وقتی اسب ابراهیم^(ع)، او را در قتلگاه حسین^(ع) به زمین زد و دیگر بلند نشد تا کسانى را که امام را کشتند، نفرین کرد.

سال ۶۱ هجری بود و حادثه نزدیک

راه فکر و خورم

یکی از پیامبرانی که

خدای تعالی در کتاب هدایت، داستان زندگی او

را پیش روی ما گذاشته است تا از آن درس بگیریم، حضرت لوط^(ع) است. عملی که

قوم این پیامبر بزرگ خدا به آن مبتلا بودند، یکی از گناهان بزرگ و از زشت ترین کارهاست، با این حال باید دید این پیامبر الهی با چه زبانی آن ها را به سوی خدا دعوت و نهی ازمنکر می کند. شاید اگر یک دسته از ما با چنین قومی برخورد کنیم، زبان به ناسزا گویی و بدگویی باز کنیم، درحالی که در نهی ازمنکر ما به دنبال دست گیری از فرد و در پی اصلاح او هستیم.

در آیه ۷۸ سوره هود آمده است: «قوم او به قصد مزاحمت میهمانان، به سرعت به سراغ او آمدند. قومی اهل انجام کارهای ناشایست بودند. هود گفت: ای قوم من! این ها دختران من هستند؛ برای شما پاکیزه ترند. (با آن ها ازدواج کنید و از زشت کاری چشم پویشید). از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانانم، سرافکنده نکنید. آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟»

پیامبر بزرگ خدا در مواجهه با این قوم بد کار و نهی ازمنکر کردن ایشان، به آن ها می گوید اگر از کار زشت خودتان دست بکشید، من راضی هستم که با دختران من ازدواج کنید. کدام یک از ما در مواجهه با یک شخص گناهکار و برای دور کردن او از گناه، حاضریم چنین پیشنهادی بدهیم؟ مثلاً به شخصی که گرفتار یک انحراف اخلاقی است، بگوییم اگر از کار زشت خودت دست بکشی، حاضرم داماد من بشوی؟ یا اینکه به اصطلاح زیر پر وبال تو را بگیرم و سروسامانی به زندگی تو بدهم؟ این روش چقدر زیباست! پیامبر خدا دارد به ما درس می دهد که شما باید به فکر شخص گناهکار باشید و مثل خانواده خودتان برای او دلسوزی کنید، حتی اگر گرفتار گناهان بزرگی باشد و این روشی است که قرآن مجید با بیان داستان این پیامبر بزرگ خدا، می خواهد به ما بیاموزد و یادآوری کند.

یکی از سؤالاتی که ذیل این آیه شریفه در تفاسیر مطرح شده است، این است که چگونه پیامبر خدا، دختر مؤمن خود را به ازدواج مرد کافری درمی آورد؟

برخی پاسخ هایی که برای این پرسش مطرح شده است، این است که شاید در هنگام ازدواج، ایمان را شرط می کردند تا این وابستگی و ازدواج، وسیله ایمان آنان شود و شاید مراد از «بناتنی»، دختران مردم باشد؛ زیرا پیامبر به بمنزله پدر امت است. شاید هم در آن زمان این گونه وصلت، اشکالی نداشته است.

نکته زیبای دیگری که در آیه «هُؤلَاءِ بَنَاتُنِی وَ لَا تُخْزُون» آمده، این است که برای جلوگیری از منکرات، باید ابتدا راه های معروف را برای مردم باز کنیم و به آن ها نشان دهیم تا بتوانیم با مسالمت با ایشان برخورد کنیم و تأثیر گذاری در نهی ازمنکر را افزایش بدهیم.

به عنوان مثال در جامعه ما که از مسئله بی حجابی به عنوان یک منکر خیلی صحبت می شود، نباید این قدر کالاهای حجاب دور از دسترس و گران باشد یا اینکه از نظر طراحی و شکل و رنگ، وضعیت خوبی نداشته نباشد. باز کردن راه معروف در اینجا، این است که بتوانیم زیباترین لباس ها را که حجاب افراد در آن حفظ می شود، به صورت رایگان یا با قیمت اندک با روی باز به افراد پیشنهاد دهیم که در این صورت حتما بسیاری از افراد، از این کار و نهی ازمنکر قرآنی مان استقبال خواهند کرد.

از خداوند بزرگ می خواهیم که زمینه فراگیری روش درست و عمل بجا را در این فرضیه بزرگ برای همه ما فراهم کند. ان شاء...!